ارادت

پله پله تا ملاقات «ولی خدا»

یوسف شمشیری
گروه دفاع مقدس

چراغ‌های حرم در صحن‌های مختلف یکی یکی روشن شدند. بعد از نماز مغرب و عشا صحن گوهرشاد را رد کردم و خودم را به صف رساندم به رواق دارالذکر. طولانی بودن صف، هیچ شوقی را خاموش نکرده بود. چند لحظه‌ای از پیوستنم به صف زائران نگذشته بود که اطرافیانم شروع کردند به خواندن «یا حسین، یا حسین گفتن و مردن خوش است...» سر چرخاندم مداح را پیدا کنم. یعنی برای صف هم مداحی دعوت شده بود؟ هر چه این طرف و آن طرف را گشتم ذاکر اهل بیتی را پیدا نکردم. یادم آمد چنین صحنه‌ای باز جایی برایم اتفاق افتاده است. چند دقیقه نگذشته بود یک بیت شعر معروف با صدایی آهسته خوانده شد، بلافاصله چند نفر زیر لب همراهی کردند و چند لحظه بعدتر، افراد دیگر همان نوحه را با هم خواندند. هرچه جلوتر می‌رفتیم، جمعیت مثل موج به هم فشرده‌تر می‌شد و دیگر به سختی می‌شد قدم برداشت. شانه‌ها به هم می‌خورد، صف کندتر حرکت می‌کرد و صدای جمعیت بلندتر می‌شد. بعد از چند لحظه، این بار همه با هم می‌خواندیم: «بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا...» این حال را در حرم امام حسین(ع) هم دیده بودم، آنجا هم مداحی وجود نداشت. انگار آدمی حافظه تاریخی‌اش را بیرون می‌کشد تا روضه بخواند و بر سر و سینه بزند.

روایتی از سرباز وظیفه «محمدباقر نوروزی» که فروردین امسال به شهادت رسید

مرد میدان، پسرِ لاله‌ها

زهرا شکراللهی
گروه دفاع مقدس

در دل کوچه‌های کوهستانی خوانسار، جایی که بوی نان تازه و لاله‌های واژگون به‌هم گره خورده، جوانی قد کشید که عاشق سکوت دشت و شور عاشورا بود. محمدباقر نوروزی، نوجوانی که زودتر از هم‌سالانش مرد شده بود، راهی پادگان ۴۴ توپخانه اصفهان شد تا از ناموس و وطنش دفاع کند. این روایت، قصه کوتاه یک زندگی پرمعناست؛ از بوسه بر قرآن و دست‌دادن مردانه با برادر کوچک، تا شبی که آسمان اصفهان آتشین و نامش با جوانه زدن لاله‌های خوانسار جاودانه شد.

وداعی که بوی بهار می‌داد

مادر قرآن را بالا گرفت و محمدباقر بوسه بر آن زد. کاسه گل سرخ مالامال آب بود، جرعه‌ای از آب را نوشید و به روی مادر لبخند زد. نازگل، خواهر خردسالش را در آغوش گرفت. با محمد طاها، برادر کوچک‌ترش دست مردانه داد. خم شد و بند پوتینش را محکم روی ساق پایش گره زد. از پله‌ها پایین رفت، در پاگرد اول ایستاد، نگاه عمیق و گرم را از مادرش گرفت و رفت.

جاده‌ای به سوی پادگان

بوی صبح بهاری کنار بید مجنون آمد. پیازهای گل لاله واژگون خوانسار هنوز جوانه نزده بودند که محمدباقر از کوچه پس‌کوچه‌ها رد شد و به سمت پادگان ۴۴ توپخانه اصفهان راه افتاد. جاده باریک، پیچ و تاب می‌خورد بین کشتزارها. کشتزارهای گندم و جو تازه جوانه زده و باران بهاری خوانسار سیراب‌شان کرده بود. شکوفه‌های درخت بادام شوریده بودند تو دشت و بیابان. بوی گیاهان دارویی و سبزی کوهی تازه رسته از میان تخته‌سنگ‌های پوشیده از برف سفید می‌آمد. او عاشق ماندن در دشت لاله‌های واژگون در دامنه گلستان کوه بود. بهار، فصل روییدن لاله‌های واژگون سرخ آتشین بود. محمدباقر هر سال دره باریک گلستان‌کوه را بالا می‌رفت تا ساعتی با لاله‌ها سپری کند و طعم ماندن در دشت و سکوت را چشیده بود؛ طعم دیدن کوهستان پر از آهو و قوچ و گوزن را.

شور عاشورایی

سکوت را فقط در دشت دوست داشت. پای روضه امام حسین(ع)، شور می‌گرفت، دودمه می‌خواند. «مکن ای صبح طلوع» را زمزمه می‌کرد. قرار هر سالش ظهر عاشورا، دم علمداری و علم بلند کردن بود. اصلا با پدرش کل کل می‌گرفت و نمی‌گذاشت پدرش زیر علم عباس(ع) برود. هیأت حیدری شهر خوانسار می‌دانست علم‌کش حضرت عباس(ع)، محمدباقر و دوستانش هستند. خلطی است میان بچه شیعه و عاشورا. همین که کمربند چرمی را می‌بست، یا اباالفضل(ع) می‌گفت. کسی جلودارش نبود. علم را بلند می‌کرد و به نیت شهدا ۱۰ قدم می‌برد، کافی بود یک یا اباالفضل(ع) دیگر بگوید. علم را می‌چرخاند، شور تو جمعیت می‌افتاد، صدای یا اباالفضل(ع) جمعیت سر به آسمان می‌سایاند.

مرد شدن در نوجوانی

شناسنامه محمدباقر تاریخ ۳ فروردین سال ۸۵ را نشان می‌داد اما دستانش چیز دیگری می‌گفت. دبستان را در مدرسه شهید غضنفری گذراند و راهنمایی را مدرسه مهدوی، سال اول هنرستان راهش را انتخاب کرد. راهی کارگاه شیرینی‌پزی شد. سوغاتی معروف خوانسار نان خوانساری و کلوچه است که محمدباقر را واداشت این شغل بومی را انتخاب کند. روغن جامد و شکر را می‌بست زیر ماشین همزن، وقتی به درجه سفیدی و پوک شدن می‌رسید، بوی شلوغ و تند گلاب و هل زعفران را سرازیر می‌کرد تو پاتیل. چند قاشق عسل اصل دامنه‌های خوانسار امضای کارش بود. نان یکدست بیضی در فر قنادی می‌رفت. بوی سبک نان خوانساری موج زد در جان کارگاه. محمدباقر سنی نداشت که خلیفه نان خوانساری شد. خلیفه شدن یعنی استاد و ورزیده کاری شدن است. تقلا می‌کرد خدمتش تمام شود و بیفتد تو بازار کار. مغازه بزند و کاسب شود. چند بار به محمد طاها، برادرش گفت: «بچه خانگی نباش، برو تو اجتماع، تو کار.»

سربازی و ایستادگی

اولین صبحگاه آموزشی را به یاد آورد. مشق دویدن، تیراندختن، جنگیدن، داشت واقعی می‌شد. تمام جنگ ۱۲ روزه تا پدرش زنگ می‌زد و می‌گفت: «برگرد.» او تنها یک جمله پاسخ می‌داد: «من حاضر نیستم ناموس و وطنم را بدهم دست کسی.» سمج، یک پا مانده بود سر خدمت سربازی.

شبی که شهر لرزید

سرشمار روز رسید به ۹ اسفند، محمد در پادگان خبر حمله را شنید. حمله به بیت رهبری، بچه‌های میناب و لامرد آشوبش کرده بود. بعد از چند روز از شروع جنگ، مادرش مرتب زنگ می‌زد، او را از دل نگرانی رهانید و برای دو روز به مرخصی آمد. پایش که رسید به اولین پله خانه، صدای خش‌دارش را صاف کرد و با بغض گفت: «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم.» انگشتش را کشید سمت مادر منتظر: «مرد میدان ما هستیم.» ساکش را داد دست مادر و نشست پای تلویزیون، اخبار گوشی، پا به پای شهر میناب برای بچه‌های میناب اشک ریخت و هر بار گفت: «ما ملت امام حسینیم، ما مرد میدانیم.»

روز ششم فروردین

ششم فروردین سال ۱۴۰۵، سهم محمدباقر دو روز پست دادن در پادگان ۴۴ توپخانه بود. رسیده نرسیده به پادگان، جعبه نان خوانساری را گذاشت تو آسایشگاه. محل استراحت سربازها عوض شده بود. کانال که محل عبور و مرور مهمات بود، امن‌ترین جای پادگان شد. سربازها کوچیدند تو تونل نزدیک کانال. از بهانه‌گاه جنگ سوم تا روز ششم فروردین، اصفهان زیر موج حملات جنگنده‌ها بود. چند دقیقه مانده بود که محمدباقر برود سر پست نگهبانی. خبر دهان به دهان گشت، جنگنده اف۳۵، فولاد مبارکه را زده. صدای زوزه جنگنده پیچیده بود روی سر درختان چنار پادگان، جنگنده چرخید، ارتفاع کم کرد و اوج گرفت، دور شد. تاریکی هوا هنوز به سیاهی لزج نرسیده بود که ستون دود و آتش از پایگاه هشتم شکاری سر به آسمان سایاند. از هر گوشه شهر فواره دود و خاکستر بلند بود. گوشی محمدباقر مرتب زنگ می‌خورد: «الو مامان، هی زنگ نزن، یا می‌زنن یا نمی‌زنن...» صدای بوق ممتد پیچید بین مادر و پسر.

شب قتلگاه

عقربه‌های سیاه ساعت چرخیدند روی هم، ساعت ۱۲ نیمه شب. صدای چرخش جنگنده پیچید روی سر شهر و چند ثانیه بعد موشک سنگرشکن، زاغه مهمات نزدیک کوه صفه را به انبار آتش و دود بدل کرد. شعله آتشین سرکشید تو ستیغ کوه. مگر شهر آرام می‌گرفت، مگر حمله تمامی داشت، مگر چشمی روی هم می‌رفت. محمدباقر هنوز به آسایشگاه نرسیده بود که غرش ممتد جنگنده نزدیک و نزدیک‌تر شد و چند ثانیه بعد زمین و زمان لرزید و پادگان ۴۴ گودال قتلگاه سربازان شد. ستون دود و آتش از هر جا فواره می‌کشید تو تاریکی و ظلمت شب. بادی نبود که این همه سوختن و گداختن را بپراکند.

برش

خبری که بالاله‌ها یکی شد

محمدباقر و ۴۲ نفر از دوستانش، چشمانش را در شب شلوغ و شیون اصفهان بستند. صدای یا اباالفضل پدر وقتی بلند شد که روی داربست بنایی بود، گوشی‌اش زنگ خورد، پا از پا برید. فریاد زد: «یا اباالفضل» و خبر شهادت محمدباقر نوروزی با جوانه زدن لاله‌های واژگون خوانسار یکی شد. پدر محمد داغ دیدن کارت پایان خدمت پسرش را به دوش کشید. محمدباقر هر بار به پدر می‌گفت: «کارت پایان خدمت من از دو تا جنگ بیرون می‌آید.» تابوت محمدباقر در میان پرچم ایران به شهر باستانی و کهن خوانسار رسید.

پایش میدانی ۶۰ واحد شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی با استقرار کلینیک کسب‌وکار سیار

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی گفت: ۶۰ واحد صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی استان با هدف بررسی وضعیت تولید و شناسایی مسائل و آثار ناشی از جنگ‌های تحمیلی رمضان و ۱۲ روزه، در قالب طرح کلینیک کسب‌وکار سیار مورد پایش و ارزیابی میدانی در ۴ ماهه ابتدای سال جاری قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی شرکت شهرک‌های صنعتی ایتان خراسان رضوی ، جعفر فرشچی طوسی در حاشیه نشست شورای معاونان اظهار کرد: این بازدیدها در راستای حمایت از واحدهای تولیدی، حفظ پایداری تولید و اشتغال و با هدف رصد آثار و پیامدهای جنگ‌های تحمیلی رمضان و ۱۲روزه بر فعالیت صنایع کوچک و متوسط استان و همچنین احصای مسائل و موانع پیش‌روی تولید انجام شد. وی افزود: اجرای این برنامه با محوریت حوزه معاونت صنایع کوچک شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان‌رضوی و با حضور مشاوران کلینیک کسب‌وکار، همچنین همراهی نمایندگان دستگاه‌های اجرایی از جمله اداره‌کل امور مالیاتی، سازمان تأمین اجتماعی، بازرسی و سایر نهادهای مرتبط انجام شد تا مسائل واحدهای صنعتی به‌صورت تخصصی و همزمان بررسی و برای رفع آن‌ها تصمیم‌گیری شود. رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی خراسان رضوی بیان کرد: در این مرحله، ۶۰ واحد صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی طوس، ماشین‌ابزار، چناران، کاشمر، تربت‌حیدریه، قوچان، مشهد، کاویان و خیام در چهار ماهه ابتدای سال جاری مورد بازدید قرار گرفتند و وضعیت تولید، تأمین مواد اولیه، سرمایه در گردش، بازار فروش، تعهدات بیمه‌ای و مالیاتی، حفظ اشتغال و سایر چالش‌های ناشی از شرایط اخیر به صورت میدانی ارزیابی شد.

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای — نوبت اول
FALAT FARADAST ENERGY FALAT CO. شرکت فرادست انرژی فلات
شماره مناقصه: FEF/TENDER-MKF-M405-C1144

۱- **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت فرادست انرژی فلات، به نشانی: تهران شهرک غرب، بلوار دادمان، تقاطع با خیابان شفق، ساختمان توحید، طبقه اول، شرکت فرادست انرژی فلات، شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۰۶۰۰۰ داخلی ۱۵۲۱ و همچنین نشانی: استان هرمزگان، بندرعباس، سه راه خون سرخ، جنب پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس، پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس، شماره تماس ۰۹۱۷۳۹۱۱۲۸۸ (مهندس مرتضوی)، ۰۹۱۹۰۲۷۸۰۴۵ (مهندس غلامی) ۰۷۶-۳۳۵۹۲۳۶۹ داخلی ۶۴۵۲ و ۶۴۵۷

۲- **موضوع مناقصه:** انجام خدمات بازرسی شخص ثالث (TPA) تجهیزات و کالا پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس

۳- **زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:**

۳-۱- متقاضیان می‌بایست حداکثر ظرف ۴ روز پس از انتشار آگهی جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه با شماره‌های فوق تماس حاصل نمایند.

۳-۲- به درخواست‌های پس از مهلت اعلام شده در بند ۳/۱ ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳-۳- هزینه خرید اسناد معادل ۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که می‌بایست به شماره حساب ۳۶۰۰۰۵۲۴۰ نزد بانک تجارت شعبه هرمزان کد ۳۳۸۰ به نام شرکت فرادست انرژی فلات واریز و اصل رسید بانکی واریز وجه (همراه با مهر بانک) تحویل دستگاه مناقصه‌گزار گردد.

۴- **محل تحویل اسناد شرکت‌کنندگان در مناقصه:** شرکت‌کنندگان می‌بایست اسناد شرکت در مناقصه خود را در وقت مقرر به معاونت حقوقی و قراردادها (نشانی فوق) تحویل نمایند.

۵- **محل پروژه:** بندرعباس، سایت پروژه احداث پالایشگاه مهر خلیج فارس

۶- ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر به منظور شرکت در مناقصه الزامی است.

۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۸- هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه جام جم مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای — نوبت اول
FALAT FARADAST ENERGY FALAT CO. شرکت فرادست انرژی فلات
شماره مناقصه: FEF/TENDER-MKF-M405-C1142

۱- **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت فرادست انرژی فلات، به نشانی: تهران شهرک غرب، بلوار دادمان، تقاطع با خیابان شفق، ساختمان توحید، طبقه اول، شرکت فرادست انرژی فلات، شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۰۶۰۰۰ داخلی ۱۵۲۱ و همچنین نشانی: استان هرمزگان، بندرعباس، سه راه خون سرخ، جنب پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس، پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس، شماره تماس ۰۹۱۷۳۹۱۱۲۸۸ (مهندس مرتضوی)، ۰۹۱۹۰۲۷۸۰۴۵ (مهندس غلامی) ۰۷۶-۳۳۵۹۲۳۶۹ داخلی ۶۴۵۲ و ۶۴۵۷

۲- **موضوع مناقصه:** اجرای عملیات ساخت و نصب کانال‌های HVAC ساختمان‌های صنعتی و غیرصنعتی پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس

۳- **زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:**

۳-۱- متقاضیان می‌بایست حداکثر ظرف ۴ روز پس از انتشار آگهی جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه با شماره‌های فوق تماس حاصل نمایند.

۳-۲- به درخواست‌های پس از مهلت اعلام شده در بند ۳/۱ ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳-۳- هزینه خرید اسناد معادل ۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که می‌بایست به شماره حساب ۳۶۰۰۰۵۲۴۰ نزد بانک تجارت شعبه هرمزان کد ۳۳۸۰ به نام شرکت فرادست انرژی فلات واریز و اصل رسید بانکی واریز وجه (همراه با مهر بانک) تحویل دستگاه مناقصه‌گزار گردد.

۴- **محل تحویل اسناد شرکت‌کنندگان در مناقصه:** شرکت‌کنندگان می‌بایست اسناد شرکت در مناقصه خود را در وقت مقرر به معاونت حقوقی و قراردادها (نشانی فوق) تحویل نمایند.

۵- **محل پروژه:** بندرعباس، سایت پروژه احداث پالایشگاه مهر خلیج فارس

۶- ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر به منظور شرکت در مناقصه الزامی است.

۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۸- هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه جام جم مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

مناقصه عمومی — نوبت دوم
FALAT FARADAST ENERGY FALAT CO. شرکت فرادست انرژی فلات
شماره مناقصه: FEF/TENDER-MKF-M405-PC1137

۱- **نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت فرادست انرژی فلات، به نشانی: تهران شهرک غرب، بلوار دادمان، تقاطع با خیابان شفق، ساختمان توحید، طبقه اول، شرکت فرادست انرژی فلات، شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۰۶۰۰۰ داخلی ۱۵۲۱ و همچنین نشانی: استان هرمزگان، بندرعباس، سه راه خون سرخ، جنب پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس، پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس، شماره تماس ۰۹۱۷۳۹۱۱۲۸۸ (مهندس مرتضوی)، ۰۹۱۹۰۲۷۸۰۴۵ (مهندس غلامی) ۰۷۶-۳۳۵۹۲۳۶۹ داخلی ۶۴۵۲ و ۶۴۵۷

۲- **موضوع مناقصه:** تهیه، ساخت، حمل و نصب پنجره های آلومینیومی ساختمان‌های ناحیه مخازن پروژه پالایشگاه مهر خلیج فارس

۳- **زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:**

۳-۱- متقاضیان می‌بایست حداکثر ظرف ۴ روز پس از انتشار آگهی جهت اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه با شماره‌های فوق تماس حاصل نمایند.

۳-۲- به درخواست‌های پس از مهلت اعلام شده در بند ۳/۱ ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳-۳- هزینه خرید اسناد معادل ۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال است که می‌بایست به شماره حساب ۳۶۰۰۰۵۲۴۰ نزد بانک تجارت شعبه هرمزان کد ۳۳۸۰ به نام شرکت فرادست انرژی فلات واریز و اصل رسید بانکی واریز وجه (همراه با مهر بانک) تحویل دستگاه مناقصه‌گزار گردد.

۴- **محل تحویل اسناد شرکت‌کنندگان در مناقصه:** شرکت‌کنندگان می‌بایست اسناد شرکت در مناقصه خود را در وقت مقرر به معاونت حقوقی و قراردادها (نشانی فوق) تحویل نمایند.

۵- **محل پروژه:** بندرعباس، سایت پروژه احداث پالایشگاه مهر خلیج فارس

۶- ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر به منظور شرکت در مناقصه الزامی است.

۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

۸- هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روزنامه جام جم مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شرکت پتروگوهر فراساحل کیش

در نظر دارد ارائه خدمات ارتباط رادیویی ۴ دکل حفاری دریایی را (به شماره مناقصه ۲۱-۴۰۵) از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای واگذار نماید.

لذا از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می شود از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۱۶ جهت دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۸ صبح الی ۱۳ به آدرس : شیراز، خیابان خاکشناسی، کوچه ۹، فرعی ۱/۹، ساختمان دوم سمت راست، کدپستی ۷۱۴۳۸۳۳۳۵۲، طبقه ۳، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت پتروگوهر فراساحل کیش (تلفن:۶۰-۸۸۵۷۶۳۵۶ - ۰۲۱ داخلی ۳۶۷۸ ایمیل: tender@pgfkco.com) به همراه نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه مراجعه نمایند و یا نامه اعلام آمادگی خود را به آدرس ایمیل فوق الذکر ارسال نمایند.

مدت زمان قرارداد: ۱ سال شمسی
محل پروژه: حوزه خلیج فارس
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

مهلت تحویل مدارک به واحد مناقصه گزار تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۲ روز پنجشنبه ساعت ۱۳ به آدرس مناقصه گزار می باشد.

روزنامه جام جم مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

آگهی مناقصه عمومی شرکت تولیدی صنعتی MSB
مناقصه ۱۴۰۵-۰۵/۱

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه
۱	خرید قطعه گرافیتی به تعداد ۵۰۰ عدد	۱۴۰۵-۰۵-۸۶
۲	حمل و نقل	۱۴۰۵-۰۵-۸۷

داشتن گواهینامه سمتا الزامی می‌باشد.

➢ **تضمین شرکت در مناقصه:** ضمانت‌نامه بانکی معتبر معادل ۵٪ مبلغ پیشنهادی و (یا ۵٪ چک صیادی و ۵٪ سفته تواما باهم ۱۰٪)

➢ **آخرین مهلت تحویل گیری و عودت اسناد مناقصه:** ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

بدیهی است شرکت در مناقصه و ارایه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و مناقصه‌گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

محل تحویل و دریافت اسناد و مدارک: تهران ، کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج
شرکت تولیدی صنعتی MSB ، معاونت بازرگانی ، تلفن مستقیم: ۴۴۹۸۶۳۴۸ ، فکس : ۴۴۹۸۶۳۵۰

هزینه چاپ آگهی و اسناد مناقصه برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

نوبت دوم
شرکت توسعه منابع انرژی توان
آگهی مزایده عمومی

شرکت توسعه منابع انرژی توان در نظر دارد ضایعات آهن خود را با شرایط ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

شماره مزایده: ۶۴۳۷/۳/۱۴۰۵/۲۱۰۱

موضوع: ➢ فروش حدود ۱۵۳ تن آهن آلات ضایعاتی ➢ فروش حدود ۷۰۰ کیلوگرم استیل ➢ فروش حدود ۱۸۰۰ کیلوگرم آلومینیوم

۱ تضمین شرکت در مزایده ۵٪ (پنج درصد) مبلغ کل پیشنهادی به صورت ضمانت‌نامه معتبر یا چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت توسعه منابع انرژی توان می‌باشد.

۲ هزینه خرید اسناد مزایده مبلغ یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال است که باید به حساب جاری طلایی ۳۱۰۱۱۰۸۴۸۳۵۳۳ بانک سپه به نام شرکت توسعه منابع انرژی توان واریز و فیش آن تحویل متصدی توزیع اسناد گردد.

۳ هزینه چاپ آگهی در روزنامه در هر ۲ نوبت به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۴ خرید اسناد مزایده و یا امضای اسناد هیچ گونه حقی را برای شرکت کنندگان در مزایده ایجاد نمی کند و شرکت در مزایده مورد اشاره و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شرایط و تکالیف مقرر در اسناد مزایده بوده و این شرکت در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

۵ از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید ظرف مدت ۵ روز از تاریخ درج آگهی نوبت دوم جهت بازدید از محل و دریافت اسناد با در دست داشتن مدارک لازم (معرفی‌نامه معتبر و اصل فیش واریزی) به آدرس: تهران، کیلومتر ۱۸ اتوبان ساوه، خروجی آدران به شهریار، کارخانجات صبا باتری صنعت شهید دین محمدپور، مدیریت بازرگانی ، واحد خرید داخلی مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۵۶۵۷۷۸۸۹ تماس حاصل نمایند. ۰۹۳۰۹۸۸۶۰۹۴